

این گفت و شنود، در شرایط خاصی برگزار شده است. در پی دعوت اتحادیه نویسندگان عرب و اعزام هیأت ایرانی به دمشق، در صبحگاه سومین روز این نشست، فرصت محدودی فراهم شد تا من اندکی از بسیار سؤالات را با ایشان در میان گذارم. همچنان که خواننده این گفت و شنود درخواهد یافت، نوع سؤالات از طرح کلیات مسائل مربوط به ادب مقاومت آغاز شد و به خاطر شروع رسمی اجلاس - ناتمام - به آخر رسید. در این مختصر، اشتراکات کلی سمت و سوی ذهنی نویسندگان و محققان ایرانی با نگاه دقیق آقای دکتر علی عقله‌عُرسان به خوبی پیداست. می‌توان امیدوار بود که در آینده‌ی نه چندان دور، مسائل و موضوعات فراوانی درباره‌ی ادب مقاومت، مورد بازجست و بررسی نویسندگان ایرانی و سوری قرار گیرد تا زمینه‌های عملی همکاری علمی محقق شود.

علیرضا کمره‌ای

لطفاً بفرمائید این اتحادیه در سمینارهایی که برگزار کرده، تاکنون چند بار درباره‌ی ادبیات مقاومت بحث کرده است؟

□ ما موضوع بحث ادبیات مقاومت را از حدود ده سال پیش به صورت‌های مختلف در سمینارها و کنفرانس‌های قبلی داشتیم ولی به صورت رسمی این اولین سمینار اتحادیه نویسندگان عرب تحت عنوان ادبیات مقاومت است.

□ اگر بخواهیم در میان کشورها، کشوری را نام ببریم، کدام کشور بیشترین اهتمام را به ادبیات مقاومت داشته است؟

□ در لبنان ادبیات مقاومت - منظوم مقاومت در برابر صهیونیسم است - از اهمیت زیادی برخوردار است. ولی همه‌ی نویسندگان لبنان در این مسیر حرکت نمی‌کنند بلکه در حوزه‌های دیگری نیز کار می‌کنند که بر ضد مقاومت است یعنی نوعی مقاومت در برابر مقاومت. در فلسطین نیز توجه خاصی به ادبیات

مقاومت می‌شود، سوریه تقریباً در مرتبه بعد قرار دارد. در اردن نیز توجه به ادبیات مقاومت دیده می‌شود و بعد از آن مصر است، البته در سال‌های گذشته یعنی زمان اجرای طرح کمپ دیوید ادبیات مقاومت بیشتر مورد توجه مصریها بود. ولی اکنون کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. عراق و دیگر کشورهای عربی نیز در مرتبه بعد قرار دارند.

□ اگر بخواهیم مسائل و موضوعات متعددی را در بین نویسندگان عرب بحث کنیم ادبیات مقاومت چه جایگاه و منزلتی دارد؟

□ این موضوع با توجه به نوع ادب و دوره‌های زمانی مختلف فرق می‌کند، مثلاً در دهه‌های هفتاد و هشتاد ادب مقاومت دارای اهتمام و توجه زیادی بود، در زمان انتفاضه ادب مقاومت یک نوع ادب سرکش در جهان عرب به شمار می‌آمد. حتی در زمانهایی که مقاومت فلسطینیها در اوج خودش بود ادبیات مقاومت همراه و پایه‌ی پای مقاومت فلسطینیها حرکت می‌کرد. بعد از پیروزی حزب‌الله لبنان سخن از ادبیات مقاومت در تمام جهان عرب گسترش یافت. و این درحقیقت به دوره‌های عمیق و ریشه‌دار در حیات ادبی و فرهنگی عرب و حیات مقاومت عرب مرتبط است.

□ بحث از ادبیات مقاومت برای نویسندگان اتحادیه و دیگر نویسندگان چقدر جدی است و چه برنامه‌هایی پیرامون این موضوع برای آینده دارید؟

□ طبیعی است که همه در یک موضوع و مسأله خاصی کار نمی‌کنند و همچون ایران، روشها و سبک‌های گوناگونی در حیات فرهنگی عرب روی داده است و حتی جریان‌های مختلفی در ادبیات - چه شعر، چه نثر - بوجود آمده است که نسبت به مسائل مقاومت و مبارزه هیچ‌گونه تعهدی نداشته است و حتی بعضی از این جریانها، تلاش می‌کنند تا هدف‌نهایی از این رویکرد را خدشه‌دار کنند و از آن یک چهره‌ی مخدوشی به نمایش بگذارند. در مقابل این جریانات، یک جریانی پدید آمد که ادب مقاومت را مورد توجه جدی قرار داد و دعوت به مقاومت و پافشاری بر این هدف را سرلوحه‌ی کار خود ساخت؛ جریان اتحادیه نویسندگان بطور کلی یک راهبرد مشخصی را در عدم به رسمیت شناختن دشمن

خود یعنی صهیونیسم در پیش گرفته و نیز عدم عادی‌سازی روابط و تداوم آزادسازی سرزمینهای عربی را هدف اصلی خود قرار داده است و جنگ اعراب و صهیونیستها را جنگ هویت و هستی اعراب می‌داند و بر این موضع اتحادیه، اکثریت جهان عرب توجه و اهمیت خاصی قائل است. ولی این مسأله به این معنی نیست که هر ادیب و نویسنده‌ای در این حوزه قلم بزند. حوزه‌های کاری این گروه از نویسندگان با هم فرق می‌کند، گروهی در حوزه ادبیات مقاومت کار می‌کنند و طبیعی است گروه‌های دیگر نیز در حوزه مسائل اجتماعی، ادبی و دیگر موضوعات کار کنند. ولی من فکر می‌کنم جریانهایی که بیشتر از دیگران در عملیات تخریبی شرکت داشتند، جریانهایی بودند که از وجهه‌ی خوبی برخوردار نبودند یا اینکه با دستگاه‌های امریکایی و غربی در ارتباط بودند و نیز جریانهایی نه چندان برجسته نیز هستند که بر ضد مقاومت اقداماتی انجام می‌دهند که اسرائیل را از ۴۸ سال پیش به رسمیت شناخته‌اند؛ این جریانهها تهدیدی برای گسترش جریان ادبیات مقاومت در جهان عرب هستند. علاوه بر این جریانهها، گروه‌های دیگری نیز وجود دارند که تلاش می‌کنند بر مسائلی تکیه داشته باشند که دین را مورد تهاجم قرار داده و نژادپرستی را در اولویت قرار دهند. این گروه‌ها در عملیات نژادپرستانه خود به دین حمله می‌کنند. علاوه بر این جریانهها، جریانههای دیگری که چندان ریشه‌دار و عمیق نیستند نیز وجود دارد.

□ به نظر شما اساسی‌ترین مسأله درباره‌ی ادبیات مقاومت در حال حاضر چیست که ادباء باید به آن بپردازند و افق آینده ادبیات مقاومت را چگونه می‌بینید؟

□ من بر این باورم که ما باید از شهادتها، دلاوریها و پیروزیهایی که حزب‌الله اخیراً در جنوب لبنان بدست آورده، الهام بگیریم و الگوبرداری کنیم و همچنین باید نسبت به تحمل سختی‌ها و مشقتها و خواسته‌های ملت فلسطین توجه خاصی داشته باشیم و راهبردهای عرفات را در عادی‌سازی روابط نپذیریم و در این مسیر به حماس و جهاد توجه و عنایت بیشتری داشته باشیم و از جناح‌های سیاسی - فرهنگی‌ای حمایت کنیم که ارزشهای مقاومت را به شکل کامل پاس می‌دارند.

گفت و گوی علی‌رضا کمره‌ای  
با علی عقله‌عُرسان

ترجمه علی‌محمدی

ادب مقاومت در افق آینده

همچنین من اعتقاد دارم که در زمینه مقاومت باید به ارزشهای دینی، اخلاقی، اجتماعی و انسانی اهمیت خاصی قائل شویم. چراکه اگر انسان از این گونه ارزشها خالی باشد، ممکن است در راهی قدم بردارد که از ارزشهای والا و نیکو تهی باشد، در این صورت است که از عدم توجه به این ارزشها رنج خواهیم برد و زمانی که ادیب نسبت به ارزشها هیچ تعهدی نداشته باشد ممکن است به گرایشهای تخریبی روی آورد یا اینکه از راهبردها و سیاستهایی که مبتنی بر گرایشهای تخریبی است الگوبرداری کند. علاوه بر مسائلی که مطرح شد، توجه و تاکید بر حقانیت ملت فلسطین و قدس شریف با توجه به موقعیت تاریخی، دینی و معنوی آن یک موضوع بسیار مهم و جدی می باشد. از طرف دیگر جوانان را نیز نباید از یاد برد، توجه به جوانان نیز فقط بوسیله کتاب کافی نیست، بلکه باید به روز حرکت کنیم و به رسانه های جمعی پیشرفته همچون اینترنت و... در کنار کتاب و مطبوعات توجه کنیم.

■ در پژوهش، مسأله شناسی و طرح سؤال خیلی مهم است و حتی در بسیاری از مواقع طرح سؤال مهمتر از پاسخ آن است. آیا در حال حاضر سؤال از ادب مقاومت یا مسأله شناسی ادبیات مقاومت برای همه طبقات جامعه مطرح می شود؟

□ اینجا مشکلی است که ناچاریم با آن مواجه شویم. صهیونیستها از طریق سازمانهای بین المللی و یک کار منظم و از پیش طراحی شده فرهنگ صلح را مطرح می کنند و از این طریق بر حقانیت یهود برای سکونت و زندگی در منطقه بعنوان یک واقعیت قطعی

تاکید می کنند تا آنرا یک مسأله حقیقی جلوه دهند. ما با این مسأله باید واقع بینانه برخورد کنیم و همچنین از طریق عملیاتی درصدند به تربیت نسلی پردازند که هیچگونه ذهنیت نسبت به اینکه این سرزمین مسلمانها بوده، نداشته باشند و درباره جنگ و تاریخ آن چیزی ندانند. در مقابل ما نیز در تلاشیم تا بر این نکته تاکید کنیم که ما حامی جنگ نیستیم و فرهنگی که ما درصدد اجرای آن هستیم، فرهنگ جنگ نیست، بلکه آن مبتنی بر عدالت، صلح و مقاومت در برابر طرح استعمار صهیونیسم است که از فلسطین شروع و به دیگر سرزمینهای عربی و اسلامی در حال گسترش است و این طرح تنها به مرزهایی که حکومت آن اسرائیل است محدود نخواهد شد؛ بلکه این طرحی است که آمریکا از آن پشتیبانی می کند و به طور کامل همه منطقه را فراخواهد گرفت و دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی است و منطقه را تهدید می کند.

بنابراین ما سعی می کنیم بر یادآوری گذشته و وجدان انسانی تاکید داشته باشیم و بگوییم که واقعیت کنونی در سرزمینهای عربی حادثه ای است که پیش آمده ولی تا پایان اینگونه باقی نخواهد ماند و نیز هرچند که آمریکا تنها ابرقدرت جهانی است ولی این یک مسأله ابدی نیست، اگرچه ممکن است طولانی باشد.

با توجه به مسائل فوق ما باید نسلهای خود را نسبت به جزئیات تاریخ و حوادث آن و به گرفتن حق عادلانه فلسطینیها آگاه کنیم و بگوییم که این کار نیاز به

مقاومت و بازبینی در تربیت و آموزش نسلها و دستیابی به قدرت در زمینه دانش، تکنولوژی و جنگ دارد تا بتوانیم در آینده دارای اراده و روحی آزاد باشیم و در نتیجه به آزادسازی سرزمینمان بپردازیم، اگرچه این کار صد یا دویست سال طول بکشد، مهم این است که این مسأله دائماً در ذهن نسلهای ما و ذهن ملت عرب باقی بماند. در مقابل این حرکت ما، تلاشهای بسیاری از سوی صهیونیستها صورت می گیرد تا با جایگزینی مسائل و موضوعات دیگری درگیریها و نزاعهای مذهبی، قومی و داخلی در جامعه ایجاد کنند و در نتیجه به اهداف خود در عملیات تخریبی برسند. این مسأله به طور جدی و پیوسته، در مراکز پژوهشی مشخص در کشورهای عربی در حال شکل گیری است و از نظر مالی از خارج تأمین می شوند و با وسایل ارتباط جمعی معینی در ارتباط دائم هستند که این ارتباطها به روشهای مختلفی صورت می گیرد. از ابعاد دیگر چون تبلیغات فرهنگی، تجاری و اقتصادی دارای نفوذ و قدرت زیادی هستند تا روحیه و دیدگاه دیگری در میان جامعه و مردم ایجاد کنند. خطرناکترین راهبرد اسرائیل در دو طرح خلاصه می شود که اکنون در پیش گرفته است؛ نخست تربیت افرادی برای حاکمیت از میان جوانان و کودکان برای آینده است تا آمریکا و اسرائیل را در طرح تحمیلی صلح یاری کنند و طرح دیگر، ایجاد سستی و گسست در خانواده عربی - اسلامی است بوسیله راهکاری که آنرا آزادی زن و توجه به آزادی اقتصادی زن نامیده اند و نیز با روشهایی که بتوانند زن را از اراده مرد و خانواده خارج کنند، یعنی از این طریق، زن دیگر قادر به نظارت و اشراف بر خانواده، فرزندان و حفظ ارزشهای خانواده نباشد. آنها فکر می کنند زن همچون گیاه هرزه ای است که می توان در آن پوچی و سستی ایجاد کرد و در نتیجه خانواده عربی را دچار بی بند و باری کنند، چرا که اگر خانواده عربی متعهد به ارزشها باشد و نسلهای آینده را بر اساس ارزشهای دینی و معنوی تربیت کند، آینده از آن ما است ولی اگر خانواده از هم بپاشد و متعهد به ارزشها نباشد، کل جامعه از بین خواهد رفت و حتی مدرسه نیز نمی تواند مشکل را حل بکند چرا که اساس جامعه خانواده است و مدرسه در مراتب بعدی قرار دارد.



در مقابل این توطئه‌ها ما نیز تلاش می‌کنیم که بر ابعاد پرورشی، فرهنگی، روحی، یادآوری گذشته تاریخی و حقوق حقیقی تاکید کنیم و توجه ویژه‌ای داشته باشیم و به طور کلی از شکست و یأس دوری کنیم.

■ به نظر من به علت اینکه ادبیات مقاومت پدیده‌ای نیست که در یک مقطع تاریخی خاصی بوجود بیاید و بعد تمام بشود و منحصر به یک قلمرو باشد، بنابراین ادب مقاومت یک عرصه‌ای همیشگی و فراگیر است و دارای ویژگی‌های کاملاً انسانی است. سنتی در هر دوره‌ای به اقتضای اوضاع و احوال آن دوره، جلوه‌های متعددی پیدا می‌کند الان در جوامع سنتی که دچار تهاجم فرهنگی شده‌اند و وضعیتشان به شکل دیگری تغییر کرده نزع سنت و تجدد بوجود می‌آید، اینجا ادبیات مقاومت نقش دارد و این نگاهداشت فرهنگ بومی و حتی ملی و همچنین نگاهداشت فرهنگ مشترک کشورهای اسلامی می‌تواند مبنای حرکتی در این زمینه باشد، آیا این حرف درستی است یا خیر. حتی در حفظ محیط زیست که تکنولوژی غرب سلامت آن را به خطر انداخته است، از منظر ادب مقاومت می‌توان به آن پرداخت، آیا این مسائل می‌تواند بحث جدیدی از ادب مقاومت جهانی را مطرح کند؟ نکته دیگر اینکه کمترند کسانی که بتوانند میدان جنگ و هجوم فرهنگی را تشخیص دهند و به تشریح آن بپردازند. به گمان من این چشم ادیب و هنرمند هوشمند است که می‌تواند آنرا به دقت ببیند و تشریح کند و بیان کند آیا این طور نیست؟

□ در پاسخ به بخش اول سؤالتان، اگر مفهوم مقاومت را بخواهیم گسترش دهیم و به معنای اعم‌اش فرض کنیم آنرا از ابتدای حیات بشری به صورت‌های مختلف مشاهده خواهیم کرد، چرا که انسان به صورت‌های مختلف و به خاطر مسائل گوناگونی که آنرا حق خود می‌دید به مقاومت می‌پرداخته است و فرقی نمی‌کند از حق خود چه در دستیابی به آزادی یا رهایی از پوغ دشمن و یا چه در آزادی از ظلم اجتماعی که بر او می‌شده یا از فشارها و اختناک‌های سیاسی که متحمل می‌شده، دائماً مقاومت مشروعی از خود داشته است. شما این مسائل را در همه جزئیات یک کار ادبی که با مسائل تاریخی و اجتماعی همراه است می‌توانید

ببینید، ولی با توجه به مفهوم سیاسی کنونی از مقاومت که در این دوره مورد توجه است و با آگاهی نسبت به شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی، قوانین، بیانیه‌ها و قانونگذاریهایی که تشریح شده است، درمی‌یابیم که مقاومت مفهومی به خود گرفته است که می‌توان آنرا مقاومت ضداستعماری و ضد توسعه‌طلبانه به صورت‌های مختلف تلقی کرد و در قانون بین‌المللی حق مشروعی برای ملت‌هایی که در برابر استعمارگران مقاومت می‌کردند پیش‌بینی شده است، این موضوع در جنگ جهانی اول و دوم تا حدودی پدیدار شد و بعد در متون قوانین و گزارش‌ها وارد شد و یک حالت قانونی و مشروع و بین‌المللی به خود گرفت که کاملاً شناخته شده است.

بنابراین ما می‌بینیم صهیونیسم و آمریکا همراه با بعضی از سازمان‌های عربی و سیاست‌هایی که در پیش گرفته شده و نیز برخی از نویسندگان و روزنامه‌نگاران عرب تلاش می‌کنند تا چهره مقاومت را مخدوش کنند و مقاومت را نوعی تروریسم جلوه بدهند. در مقابل این توطئه مطرح شد که مقاومت یک حق قانونی است و به هیچ عنوان تروریسم نیست و هنگامی که ایران و سوریه در حمایت از مقاومت به پشتیبانی از تروریسم متهم شدند و اکتش‌های سیاسی، تبلیغاتی و فرهنگی گوناگونی صورت گرفت، که خواستار برگزاری کنفرانسی شدند که در آن تروریسم و مقاومت تعریف و مرزهای هر یک مشخص گردد ولی این کنفرانس برگزار نشد. اما در سال ۱۹۷۶ مشروعیت مقاومت و نفی صفت تروریسم از آن به اثبات رسید، زمانی که حزب‌الله توانست از راه مقاومت در برابر تهاجم صهیونیسم بعد از کشتار قانا گروهی را به کمیته تفاهم میسان که آمریکا، فرانسه، لبنان، سوریه و اسرائیل نیز در آن حضور داشتند، وارد و همه مسائل و حوادث را در دفاع از خود در آن جا بیان کند. این اقدامات حزب‌الله بر ضد صهیونیسم باعث شد که آمریکا مقاومت را به رسمیت بشناسد و آنرا نوعی

دفاع قانونی و نه تروریسم بداند، و دولت لبنان نیز یکی از ناظران حاضر در آن کمیته شد.

از همین راه بود که مقاومت مشروعیت خود را بدست آورد و این مشروعیت با عمل و تداوم آن به اثبات رسید.

احیاناً، می‌بینیم حرکتی تجاوزکارانه صورت می‌گیرد ولی هنگامی که ادامه پیدا کرد و مرزهای آن مشخص شد یک حالت قانونی ظاهری بر آن غالب می‌شود مثل اینکه او صاحب حق و عدالت است. چنانکه رژیم صهیونیستی تروریسم و سازمان‌های تروریستی و سرکوب را راه‌اندازی کرده، سپس دست به تجاوز زده و قدرت را بدست گرفته و مردم را مجبور به رسمیت شناختن قانونی خود می‌کند و مدعی می‌شود که دیگران متجاوز و تروریست هستند که بر ضدش عمل می‌کنند. بنابراین، این موضوع نیاز به عقلانیت، هوشیاری و معرفت نسبت به ارزشها، قوانین و آگاهی نسبت به تاریخ و سرگذشت تاریخی این سرزمین دارد تا مقاومت بعد حق طلبانه، آزادسازی و مفاهیم خود را حفظ کند و موجب مخدوش شدن مقاومت و آزادسازی نشود و تجاوز محقق جلوه داده نشود و مقاومت مشروع در دایره اعمال تجاوزکارانه و غیرعادلانه وارد نشود، این حقیقتاً در درجه اول نیاز به فکر و نظر ادیبان، نویسندگان و متفکرین دارد.

در پاسخ به قسمت دوم سؤالتان باید بگویم که در حق شهدا و مجروحان ادیب و نویسنده کوتاهی فراوانی شده است که این کوتاهی متوجه مؤسسه‌های فرهنگی و از جمله خود ما است. و ما آنچنانکه شایسته است به این امر نپرداخته‌ایم و لازم است که در این زمینه اقدامات شایسته‌ای صورت بگیرد.

■ واقعه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و حوادث بعد از آن که ابعاد زیادی داشت باعث شد که هنرمندان مسلمان به میدان بیایند و از آن الهام بگیرند. و این در اینجا اصل واقعه





بود که جریان ادبی ایجاد کرد، جریان ادبی خود به خود روی نداد، این نکته مهمی است حال من می‌خواهم ببینم که در مقاومت عربی ادباء یا آثار فرهنگی آنها در میادین و در استقامت نقش فعالی دارند یا دارای نقشی منفعل و گیرنده هستند؟

□ من فکر می‌کنم هر انقلابی قبل از اینکه به پیروزی برسد، در پس آن اندیشه‌ای نهفته است که منجر به خلق فرایند انقلاب می‌شود، امام خمینی با سخنرانیها، راهنمائیها و دعوتهای خود، اندیشه‌ای را ارائه کرد و تمام اقشار جامعه را به تحرک و نشاط در این زمینه سوق داد، این تفکر بعد ملی و سراسری به خود گرفت و بعد انقلاب رخ داد و به پیروزی رسید. پیروزی انقلاب مبتنی بر اصول مختلفی چون فرهنگی، اخلاقی، سیاسی، فکری و... در سطح گسترده‌ای بوده و تنها به یک قشر خاص خلاصه نمی‌شود بلکه بعد اجتماعی - سیاسی دارد که همه اقشار جامعه را دربرمی‌گیرد و دستاوردهای مختلفی - با توجه به واکنشهایی که در جامعه صورت می‌گیرد در تولیدات، عمران و نیز بازتابهای اجتماعی - فرهنگی، سیاسی و فکری که حالا یا له یا علیه آن بوجود می‌آید - در پی دارد. این فرایند باعث ایجاد یک رابطه جدلی مستمر و پابرجا می‌شود. در این میان اگر ما بخواهیم که روح عدالت و خیرخواهی که در پس هر عمل انقلابی نهفته است، ادامه داشته باشد، باید به اهداف، اصول و دیدگاه‌های مهمی دست یابیم و بعد به بررسی و تحلیل آنها بپردازیم که هدف انقلاب حالا انقلاب اسلامی یا هر انقلاب دیگری چیست، رفع ظلم، تحقق عدالت، تأمین آزادی، فراهم‌آوری آسایش مردم، استقلال کشور و تحقق هدفهای برجسته‌ای چون آزادی اندیشه و بیان. حال اگر انقلاب ایران یا هر انقلاب دیگری این اهداف را تأمین نکند، نیاز به یک انقلاب اصلاحی بر انقلاب خود دارد. اما اگر بتوانیم این اهداف ارزشمند و اساسی را برآورده سازیم پس یک فرایند خوبی در بعد اندیشه و تفکر ایجاد کرده‌ایم که می‌توان از این فرایند در توسعه و گسترش اندیشه استفاده کنیم.

من اعتقاد دارم که باید به تجدیدنظر در معیارها و اهداف خود بپردازیم تا نظریات و دیدگاه‌هایمان دچار

انحراف نشود و خود نیز به تبع آن در گمراهی نیفتیم و اهداف حقیقی خود را بشناسیم و توجه و تجدیدنظر درباره آنها را سرلوحه کار خود قرار دهیم. چرا که جوهر و افق آزادی و تجدیدنظر درباره آن در ارتقاء دائم با بیداری اندیشه است و اگر ما معرفت و بیداری خود را افزایش دهیم، افق آزادی بیشتر نمایان خواهد شد و حقوق مردم و آزادیهای عمومی و... تحقق پیدا خواهد کرد. حالا با توجه به مسائلی که اشاره کردم ما نیاز به معیارها و التزام به ارزشها و احترام به همنوع خود داریم. اگر به همنوع خود به عنوان غیرذیحق در کنسور نگاه کنیم پس باید منتظر انقلاب علیه انقلاب باشیم، چرا که او احساس خطر خواهد کرد و در نتیجه دست به تحرکاتی خواهد زد. اما اگر او را شریک و یار خود بدانیم او احساس آزادی، مسؤلیت و احترام خواهد کرد. پس لازم است مساوات، عدالت، آزادی، احترام به دیگران، احترام به اصول اساسی را مبنای کار خود قرار دهیم.

همچنین توجه به هویت به معنای عمیق آن که در عقاید دینی، زبان و... وجود دارد و سنتها و رفتارهای اجتماعی خاص که در جامعه وجود دارد ضروری است. ما باید در مفهوم کلی درصدد بسط و تقویت این هویت باشیم و آنرا از دست ندهیم و یک توده به دم پیوسته باشیم، حال اگر هویت ما آمریکایی، فرانسوی، روسی، چینی و... باشد فرقی نمی‌کند و همه ما بشریم و دارای ابعاد مشترکی هستیم، مهم هویت است که با بد اساس و پایه قرار گیرد.

■ در مورد ارتباط و روابط متقابل در سطح نویسندگان،

شما چه پیشنهاد و نظری دارید؟

□ طبعاً ما از این پیشنهاد استقبال می‌کنیم و معتقد به پی‌ریزی و ایجاد قوانین و اصولی برای این پیشنهاد هستیم و روابط دوجانبه را برای ارتقاء کیفی آثار خود ضروری می‌دانیم و همچنین از نویسندگان ایرانی دعوت می‌کنیم به این روابط متقابل توجه ویژه‌ای داشته باشند.

■ ما هم در پایان از شما تشکر می‌کنیم و از اینکه از ایران نیز نویسندگانی به این سمینار دعوت کردید سپاسگزاریم. سوالات زیادی داشتیم ولی با توجه به ضیق وقت آنرا موکول به زمان دیگری می‌کنیم.

# از اینجاست بخارا لاله باشه

رحیم مسلمانیان قبادیانی

انتشارات بیستون، چاپ اول: ۱۳۷۹

از اینجا تا بخارا لاله باشه گزیده‌ای است از مجموعه دویستی‌های مردمی تاجیک که به کوشش پروفیسور رحیم مسلمانیان قبادیانی گرد آمده است. دفتر حاضر با مقدمه‌ای از پروفیسور قبادیانی با نثر و لحن تاجیکی همراه است که در آن تعریفی از دویستی و شعر فارسی تاجیکی و نیز ویژگی‌های اشعار مجموعه حاضر دیده می‌شود. گردآورنده را اعتقاد بر این است که دویستی در مجموع از ساده‌ترین انواع شعری به شمار می‌آید، به ویژه دویستی‌های مردمی به اندازه‌ای ساده‌اند که گاه حرف یا هجایی کاسته یا افزوده می‌شود. وی دویستی را همانند رباعی، گسترده‌ترین نوع شعری میان تاجیکان می‌داند و در برشمردن ویژگی‌های اشعار کتاب به این موارد اشاره می‌کند:

«جغرافیای دویستی‌های مردمی تاجیکی را می‌توان نقشه جغرافیای ایران زمین تاریخی دانست» «اگر عموماً دویستی‌ها ساده‌اند، دویستی‌های عامیانه ساده‌ترند... و از کمال سادگی به خنده کودک می‌ماند و در گولزایی نسیم وطن است» «میان دویستی‌های مردمی گاهی سروده‌های شاعران نیز احساس می‌شوند، اما در شکل‌های پراسته یا ذوق عامیانه» و «دویستی‌هایی هستند که همانند یکدیگرند، با اندکی تفاوت» و چند ویژگی دیگر.

گفتنی است در نقل این دویستی‌ها ترتیب قبایی رعایت شده و با خواندن آنها به پیوند و آمیختگی فرهنگ تاجیکی و فارسی بیشتر پی می‌بریم. این کتاب برای نخستین بار در تهران از سوی نشر بیستون به چاپ رسیده و شامل ۵۴۱ دویستی است که به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

سر کوه بلن فریاد کردم!  
امیرالمؤمنین را یاد کردم!  
امیرالمؤمنین! یا شاه مردان!  
بالا را از سر راهم بگردان!